

## بررسی تطبیقی جرم مطلق در ایران و جرم مطلق در افغانستان

مرضیه نیازی<sup>۱</sup>، عاطفه حسن زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

در عصر حاضر با گسترش جرایم در حوزه‌های مختلف، دانشمندان حوزه حقوق، جرایم را از زاویه‌های مختلف تقسیم بندی کرده‌اند. این موضوع سبب می‌شود هر جرمی به صورت جداگانه تعریف شود و عناصر و شرایط تشکیل دهنده آن نیز به صورت جدا بررسی شود تا بدین ترتیب جرایم از یکدیگر تمیز داده شده و تفکیک شوند. دانشمندان در تقسیم جرایم به آثار زیان بار فعل مجرمانه توجه می‌کنند و جرایمی که خسارات حاصل از آنها به طور کلی سمت و سوی مشترکی دارند را در یک گروه قرار می‌دهند. معیار تشخیص جرایم مطلق و مقید در نیاز داشتن و عدم نیاز این جرایم به نتیجه است. اگر جرمی نیاز به نتیجه داشت آن جرم مقید نامیده می‌شود. جرایمی مانند ارتشاء، رشا، جعل و تزویر از جرایم مطلق است که هرکدام مجازات‌های خاص خود را در پی دارد. تحقیق حاضر از روش آمیزه‌ای، به کمک اسناد نوشتاری، سامانه‌های رایانه‌ای، نرم‌افزارهای علمی و روش داده‌پردازی توصیفی-تحلیلی بهره برده است.

**واژگان کلیدی:** جرم، مطلق، مقید، مصادیق، جمهوری اسلامی ایران،

افغانستان.

۱. دانش‌پژوه کارشناسی معارف حقوق، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مدرس گروه علمی- تربیتی حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. جرایم مطلق

جرم مطلق جرمی است که به‌صرف ارتکاب عمل واقع‌شده تحقق می‌یابد از اینکه عمل به نتیجه مطلوب رسیده باشد یا نرسیده باشد مانند مقررات ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت، خود را در مشاغل اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است، دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد مجازات جعل را نیز خواهد داشت». در این ماده صرف دخالت در امور دولتی، جرم تلقی می‌شود و مقید به حصول نتیجه نیست (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۳). قانون، نفس عمل ارتكابی را جرم می‌داند. ماده ۷۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرکس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال کیفر نقدی و یا هردوی آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد». این جرم نیز مطلق است و با صرف دعوت و دایر کردن محقق می‌شود و لازم نیست تا افرادی به‌طور حتمی این دعوت را اجابت کرده باشند (میرخلیلی، ۱۳۹۴، ص ۳۹۴).

تعبیر دیگر در مورد جرایم مطلق و مقید این است که به این جرایم، صوری و مادی می‌گویند. اساس جرم صوری همان جرم مطلق و جرم مادی همان جرم مقید است. با این توضیح که هرگاه در توصیف مجرمانه، حصول نتیجه خاص و معین مورد نظر باشد آن جرم مادی است و چنانچه در توصیف مجرمانه، نتیجه خاصی ملحوظ نشده باشد جرم صوری است. (نجفی توانا، ۱۳۹۳، ص ۳۰۲) بارزترین جرایم مطلق در حقوق کیفری افغانستان در حوزه جرایم امنیت داخلی و خارجی، زیست‌محیطی، اموال و مالکیت و فساد اداری است.

شروع‌کننده به جنایت به جزایهای آتی محکوم می‌شود مگر اینکه در قانون برخلاف آن تصریح شده باشد:

- در مواردی که جزای اصل جرم، اعدام باشد حبس دوام؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس دوام باشد حبس طویل؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس طویل باشد حبس متوسط یا نصف حداکثر جزای اصل جرم.

## ۲. مهمترین مصادیق جرایم مطلق

در قانون مجازات اسلامی، ارتشاء، جرمی مطلق است. ماده 3 قانون تشدید مجازات می‌گوید: «مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاه‌برداری مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به‌طورکلی، قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت یا مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی برای انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد اگر وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم قبول کند در حکم مرتشی است اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن براساس حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده باشد به‌ترتیب زیر مجازات می‌شود». در ماده ۳۰ قانون جزا، افغانستان:

- در مواردی که جزای اصل جرم، اعدام باشد، حبس دوام؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس دوام باشد حبس طویل؛
- در مواردی که جزای اصل جرم، حبس طویل باشد حبس متوسط یا نصف حداکثر جزای اصل جرم (کاتوزیان، ۱۳۶۸، ص ۲۰۰).

## ۲-۱. رشا و ارتشا

رشا به معنی چیزی است برای ضایع کردن حقی یا انجام کاری برخلاف حق و عدالت است. این واژه در اصطلاح حقوقی عبارت است از: آنچه به کسی بدهند تا باطل را احقاق و حق را باطل کند. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۵) ارتشاء عبارت از گرفتن وجه مال برای انجام یا عدم انجام امری است. گاهی واژه رشوه به معنی کود و خاشاک نیز به کار رفته است (دهخدا، ۱۴۰۰، ص ۳۶۳). ارتباط این معنی با معنی اصطلاحی حقوقی این است که همان طور که کود و خاشاک زمین را برای زراعت آماده می‌کند رشوه نیز نظر مرتشی کسی که قبول رشوه می‌کند را برای انجام کار مورد نظر راشی (کسی که رشوه پرداخت می‌کند)، جلب می‌کند. رشوه دادن را رشا و رشوه گرفتن را ارتشا می‌نامند. رشوه دادن و رشوه گرفتن از جرایم علیه آسایش عمومی است که باعث سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به نظام اجرایی و اداری، از بین رفتن زمینه رقابت سالم و فاسد شدن مأموران دولتی می‌شود. بدین وسیله مأموران عادت می‌کنند که وظایف خود را جز با اخذ مابه‌ازا و پاداشی از ارباب رجوع انجام ندهند. برای جلوگیری از این فساد در بیشتر کشورهای دنیا ارتکاب این گونه اعمال جرم و قابل مجازات شناخته شده است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۵).

این جرم از جرایم بسیار قدیمی است که به‌ویژه در مورد قضاات از دیرباز دامن‌گیر بشریت در همه کشورها بوده است. ویل دورانت با توصیف اوضاع اجتماعی عصر الیزابت ۱۵۵۸-۱۶۰۳ از وضع نابسامان قانون و عدالت در آن دوران سخن گفته و اظهار می‌دارد که دادگاه‌ها به اتفاق و بیشتر فاسد بودند. یکی از اعضای پارلمان آن روز یک قاضی را حیوان خطاب کرده است که برای نیم‌دوجین جوجه از یک دوجین قانون چشم می‌پوشد. شکسپیر از قول لیر می‌گوید: «گناه را با فلاندون گن تا نیزه نیرومند عدالت بدون آنکه صدمه‌ای دیده باشد، بشکند» (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷). در همین دوران چه بسیار مناصب و القابی که با پول خرید و فروش می‌شدند و چه بسیار قراردادهای و معاهداتی که حتی در سطح بین‌المللی با رشوه

به یک یا چند صاحب‌منصب دولتی به نفع یک کشور خارجی منعقد می‌شدند (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷).

قبل از آن نیز در ایران باستان این عمل به ویژه از سوی قضات انجام می‌شد. هرودت می‌گوید: «کمبوجیه، تاریخ امپراتوری ایران می‌شده است». المستد در کتاب خود فرمان داد تا قاضی را که در مقابل رشوه، حکم ناحق داده بود، کشتند و سپس پوست بدن او را کنده و پس از دباغی بر روی مسند سابق او که به فرزندش رسیده بود، انداختند تا فرزند در همه حال از عاقبت بد رشوه‌خواری آگاه باشد. همین شخص از مصلوب قاضی به دست دایوش به دلیل رشوه‌خواری سخن گفته است (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷). در متون اسلامی نیز رشوه دادن و رشوه گرفتن بسیار مذموم شمرده شده است. در قرآن یکی از مصادیق آن رشوه خواری است: «اکل مال بباطل و اکل السحت» رشوه نیامده است، اما در آیات قرآن به شدت منع شده است. در روایات به راشی و مرتشی وعده آتش داده شده است: «الراشی و المرتشی فی النار؛ رشوه‌گیرنده و رشوه‌دهنده در آتش هستند». قانون‌گذار افغانستان نیز ارتشاء را به طور صریح در ماده ۲۵۴ قانون جزای افغانستان تعریف کرده است (متقی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳).

### ۳. عناصر جرم رشوه

#### ۳-۱. عنصر قانونی

رشوه در منابع اسلامی حرام است و به رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده وعده آتش داده شده است. از نظر قانونی نیز این عمل جرم بوده و مجازاتی برای عاملین معین شده است. ماده ۳ قانون تشدید و مواد ۵۹۲-۵۸۸ قانون تعزیرات عنصر قانونی انواع عام ارتشاء و قوانین متفرقه‌ای که گاه و بی‌گاه در مورد انواع خاص این جرم به تصویب مقنن رسیده‌اند مانند ماده ۴۳ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۸۷، قانون مجازات جرایم نیروهای مصلح مصوب ۱۳۸۲ و... عنصر قانونی انواع خاص آن است. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۶) عنصر قانونی جرم رشوه در قانون ایران ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب

۱۳۶۷ و مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است. از نظر مجازات، قانون ایران همراه تشدید و تخفیف مجازات جزای نقدی، حبس و انفصال دائم یا موقت است، ولی در قانون افغانستان فقط به جزای نقدی و حبس اکتفا شده است.

### ۲-۳. عنصر مادی

در این قسمت حقوق دانان تلاش کرده‌اند ابتدا بگویند که جرم ارتشاء شامل چه افرادی می‌شود و سپس موضوع این جرم چه اشیاء و اموالی را دربرمی‌گیرد و در نهایت، عمل مرتکب باید چگونه باشد تا پس از تحقق آن بتوان او را در قالب مرتشی تعقیب کرد.

### ۱-۲-۳. سمت مرتشی

جرم ارتشاء از جمله جرایمی است که اختصاص به کارمندان و مأمورین دولتی دارد. افراد مرتشی در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری به ترتیب قانون عبارتند از:

- مستخدمین و مأمورین دولتی از قضایی و اداری؛

- کارمندان و کارکنان شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی مانند کارکنان نهاد ریاست جمهوری؛

- کارمندان و کارکنان قوای سه‌گانه مقننه، مجریه و قضائیه؛

- سپاه پاسداران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمان‌های وابسته به آن،

مشمول قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری؛

- کارکنان و کارمندان شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی وابسته به دولت مثل

کارخانه‌ها و بنگاه‌های دولتی؛

- مأمورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیررسمی (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۳۸).

بنابراین، بحث رشوه‌خواری مخصوص مأمورین دولت است که سلطه و اقتدار قانونی خود را وسیله کسب و تجارت قرار می‌دهند، ولی قانون‌گذار علاوه بر مستخدمین و مأمورین دولتی در مورد برخی وابستگان دادگستری و افراد عادی نیز احکام ارتشاء راتسری داده است. در

ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هریک از داوران و ممیزان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم کند به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم می شود و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مؤدی به نفع دولت ضبط خواهد شد. این ماده ناظر به مجازات و کارشناس اعم از اینکه توسط دادگاه انتخاب شده باشد یا طرفین می باشد» (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۴۶).

### ۳-۲-۲. سمت راشی

قانون گذار در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی در صدد تعریف راشی چنین مقرر می دارد: «هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف افراد مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبردای مصوب ۱۳۷۵/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است». در این ماده مجازاتی برای راشی پیش بینی نشده است، اما راشی را تعریف کرده است.

### ۳-۲-۳. موضوع جرم

قانون گذار ایران در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری موضوع جرم ارتشاء را محدود قبول وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال کرده است، اما در ماده ۵۹۰ قانون تعزیرات، انجام یا معاملات به بهای غیر واقعی را نیز در حکم دادن یا گرفتن مال و در نتیجه موجب تحقق عناوین مجرمانه رشا و ارتشاء دانسته است. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۷) بدین ترتیب، پرداخت رشوه بانام هر نوع معامله صوری، جرم است و مستخدمین دولت از قضایی و اداری حق ندارند رشوه را به اسم همسر یا فرزند یا نزدیکان خود و غیر اینها به صورت انتقال مال واقع سازند که در این صورت رشوه محقق می شود. مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون

افغانستان است. در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۱۴).

### ۳-۲-۴. فعل مرتکب

پرداخت رشوه باید برای انجام دادن یا انجام ندادن کاری باشد که مربوط به سازمان‌های مذکور است. بنابراین، عمل مرتکب فعل مثبت مادی خارجی است که مال یا وجه یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال از طرف راشی را در قبال انجام یا ترک انجام کاری که مربوط به وظایف او و یا دیگران است، دریافت کند. بنابراین، اگر مستخدم دولتی بر اساس وظیفه محوله اقدام کند بدون اینکه وجه یا مالی دریافت کرده باشد مرتشی محسوب نمی‌شود. همچنین اگر مأمور بر حسب توصیه و خواهش، انجام یا خودداری از انجام عملی کرده باشد باز هم مشمول حکم ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء قرار نمی‌گیرد. پذیرفتن مال یا وجه و غیره از طرف مستخدم دولت اعم است از اینکه در هنگام انجام کار صورت گیرد و یا پس از آن. برای مثال شخصی مال یا وجهی را به همسر یا فرزند و خویشاوندان مأمور در قالب رشوه پرداخت کند و مأمور مطلع از این امر نباشد و پس از اطلاع، راضی به این امر شود جرم ارتشاء محقق می‌شود، ولی اگر مأمور مذکور پس از وقوف به قضیه در مقام رد آن برآید دیگر نمی‌توان او را در قالب مرتشی تعقیب کرد. به همین صورت اگر راشی بدون اطلاع از طرف وجهی را در جیب مأمور قرار دهد و به این وسیله مستخدم دولت را غافل‌گیر کند و بلافاصله او وجه را گرفته به دنبال راشی برود که به وی مسترد نماید به همین اثنا با صحنه‌سازی قبلی دستگیر شود دیگر نمی‌توان مستخدم را در قالب راشی شناخت؛ زیرا در ارتشاء قصد و رضایت مرتشی به اخذ وجه و تبانی او با راشی شرط است. (میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۹) مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است. از نظر مجازات، قانون ایران همراه تشدید و تخفیف مجازات، جزای نقدی، حبس و انفصال دائم یا موقت است، ولی در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

#### ۴. رکن معنوی

قانون‌گذار ایران تنها در ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات درباره رشای قیود «عالماً و عامداً» را به کار برده است، اما در ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری درباره ارتشاء ذکری از این واژه‌ها به میان نیاورده است. مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است و در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است. برای تحقق هردو جرم مرتکب باید از روی عمد و اختیار مالی را از دیگری گرفته (ارتشاء) و یا به او داده باشد (رشا). بنابراین، هرگاه این کار در حال خواب و یا بی‌اختیاری و مستی صورت گیرد مرتکب فاقد مسئولیت کیفری خواهد بود. مرتکب و یا مرتکبان باید نسبت به موارد زیر عالم باشند (میر محمد صادقی، ص ۳۷۸):

- راشی و مرتشی از سمت مرتشی به عنوان کارمند دولت مطلع باشند؛

مرتکب باید بداند که وجه، مال یا سند در قبال انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به سازمان متبوع گیرنده آن است، داده می‌شود، وگرنه مسئولیت کیفری وجود ندارد. مواد ۱۵۴ تا ۱۶۷ قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵/۶/۳۰ عنصر قانونی جرم رشوه در قانون افغانستان است. در قانون افغانستان فقط بر جزای نقدی و حبس اکتفا شده است (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

#### ۴-۱. شروع به جرم رشوه

در شروع به جرم با وجود اینکه هنوز ضرری به جامعه وارد نشده است شروع‌کننده به دلیل حالت خطرناکی که از خود نشان داده است، مجازات می‌شود، البته شروع به ارتکاب جرم مثل هر جرم دیگری در صورتی قابل مجازات خواهد بود که قانون به این امر تصریح کرده باشد. براساس تبصره ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ هر شروع به جرمی قابل مجازات نیست. چنان‌که مقرر می‌دارد مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این نظر قابل مجازات نیست. در قوانین ایران حکمی درباره عمل رشایافت نمی‌شود، ولی شروع به ارتشاء در تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری و در ماده ۵۹۴

قانون تعزیرات پیش‌بینی و در هردو مورد حداقل مجازات مقرر در جرم تام برای شروع‌کننده در نظر گرفته شده است. براساس تبصره ۳ ماده مذکور در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد مرتکب به مجازات آن جرم محکوم نیز خواهد شد.

باتوجه به اینکه محکوم کردن مرتکب به مجازات شروع به ارتکاب جرم و هم به مجازات جرم خاصی که مرتکب آن شده است با اصول پذیرفته‌شده حقوق کیفری و با مفاد ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ تعارض دارد و باتوجه به اینکه ماده مآخرا تصویب ۵۹۴ فقط به‌تحمیل مجازات شروع به جرم بر مرتکب اشاره کرده و سخنی از تحمیل مجازات جرم خاص ارتکاب‌یافته از سوی او به میان نیاورده است، بهتر بود در مواردی که عمل انجام یافته از سوی مرتشی نام مجرمانه خاصی ندارد وی را براساس ماده ۵۹۴ به تحمل حداقل مجازات مقرر برای جرم تام ارتشا و در مواردی که اعمال انجام شده از سوی او نام مجرمانه خاصی دارد وی را براساس ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی تنها به مجازات مقرر شده برای همان جرم خاص محکوم و او را از تحمل مجازات شروع به جرم معاف کرد. (میر محمد صادقی، ص ۵۷۴) قانون جزای افغانستان در دو ماده مصادیق موضوع رشوه را احصاء کرده است. باتوجه به ماده ۲۵۴ مواردی همچون «پول نقد، مال، منفعت و بخشش» و باتوجه به ماده ۲۵۹، بخشش جزو مصادیق موضوع رشوه است (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۰).

## ۵. مجازات راشی و مرتشی

### ۵-۱. مجازات مرتشی

براساس ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری برای مرتشی مجازات‌های حبس، جزای نقدی، شلاق و انفصال تعیین شده است. میزان مجازات مرتکب براساس ماده ۳ بستگی به قیمت مال مأخوذ مرتبه مرتکب بدین ترتیب دارد:

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد با انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیرکل یا هم طراز مدیرکل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد؛

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال و تا دویست هزار ریال باشد مرتشی از یک تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر یا هم طراز مدیرکل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد؛

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیرکل یا هم طراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد؛

- اگر قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیرکل یا هم طراز آن باشد به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۵۲)؛

- باصراحت ماده ۲۵۴ افغانستان هرگاه وجه، مال یا منفعت دریافتی از سوی موظف خدمات عامه به منظور امتناع یا اخلاص در وظیفه تکلیفی وی باشد و حتی اگر به منظور اجرای وظیفه وی نیر باشد فرد را در قالب رشوه گیرنده تحت تعقیب کیفری قرار می دهد؛

- مرتکبین ماده ۲۵۹ افغانستان جنبه حصری دارند و تنها شامل همان افرادی می شود که در ماده ذکر شده است. (عارف راشد، ۱۳۹۲، ص ۶۶)

## ۵-۲. مجازات راشی

مجازات راشی در تبصره ۲ ماده ۳ قانون تشدید مجازات ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مقرر می‌دارد در تمام این موارد، مال ناشی از ارتشاء در قالب تعزیر رشوه‌دهنده به نفع دولت ضبط می‌شود و اگر راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو می‌شود. در این تبصره، راشی فقط به مجازات ضبط مال محکوم شده است، اما در ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ قانون‌گذار مقرر می‌دارد که هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده ۳ قانون تشدید مرتکب ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد در حکم راشی است و در قالب مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۴۵۳).

دیدگاه قانون جزای افغانستان نیز بر اساس ملاک خدمات عامه است. این قانون در ماده ۲۵۴ با به کار بردن عبارت «هر موظف خدمات عامه» جنبه خدمات عامه داشتن وظیفه موظف راملاک در تحقق جرم رشوت دانسته است - البته ملاکی است که می‌تواند پاسخ‌گوی شرایط فعلی جامعه باشد- قانون جزاهمچنین با مقید کردن مصادیق موظفین خدمات عامه در ماده ۱۲ همین قانون، اقدام به رفع مهمترین نقد این قانون که مشخص کردن مفهوم و مصادیق خدمات عامه می‌باشد، نموده است. (عارف راشد ۱۳۹۲، ص ۳۶)

## ۶. جعل و تزویر

جعل در لغت عبارت است از دگرگون کردن، منقلب کردن، گردانیدن، قرار دادن، آفریدن، وضع کردن، ساختن و ایجاد کردن. (معین، ۱۳۸۲، ۱/۱۲۳۰). در اصطلاح عبارت است از ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر چیزهای مذکور در قانون به ضرر دیگری به قصد جازدن آنها در قالب اصل. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۷) قانون‌گذار ایران در ماده ۵۲۳ قانون تعزیرات درصدد تعریف جرم جعل مقرر می‌دارد: «جعل و تزویر عبارت است از: ساختن نوشته

یا سند، ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی، خراشیدن یا تراشیدن، قلم بردن، الحاق یا محو، اثبات یا سیاه کردن، تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی، الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب». براساس قوانین افغانستان، شخصی که بدون صلاحیت، مهر اداره غیردولتی را به دست آورد و آن را به ضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال کند به حبس قصیر محکوم می‌شود (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۰). قانون، جزای حبس متوسط و قصیر را برای افرادی در نظر گرفته است که بدون صلاحیت، مهر اداره دولتی یا غیردولتی را به گونه‌ای استعمال کند که ضرر آن متوجه منافع عامه شود؛ زیرا نظم عامه و امنیت عمومی مهمترین موضوعی است که اگر با انجام فساد مختل شود زمینه‌های زیست برای افراد بشری تنگ خواهد شد. بنابراین، قانون با در نظر داشتن آن، این موضوع را مطرح کرده است (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۲۰).

## ۷. ارکان جرم جعل و تزویر

براساس مفاد ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ارکان جرم جعل و تزویر را به طور خلاصه بررسی می‌شود.

### ۱-۷. رکن قانونی

جرم جعل و تزویر مانند باقی جرایم به عملی گفته می‌شود که رکن قانونی داشته باشد و به موجب قانون، جرم تلقی شود. قانون‌گذار همچنان که در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات، جرم جعل و تزویر را تعریف کرده است در ماده ۵۳۶ قانون مذکور درصدد مجازات جرم جعل چنین مقرر می‌دارد: «هرکس در اسناد یا نوشته‌های غیررسمی جعل یا تزویر کند یا با علم و به جعل، آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. بنابراین، دادرس دادگاه در حکم صادره به این مواد قانونی استناد می‌کند». جزای جدید در بند دوم ماده ۴۳۶ خود در افغانستان چنین بیان می‌دارد: «شخصی که یکی از اشیای آتی را تزویر یا

باوجود علم به تزویر آن را استعمال یا به افغانستان داخل کند به حبس متوسط بیش از سه سال محکوم می‌شود».

## ۲-۷. رکن مادی

برای روشن شدن رکن مادی جرم جعل، حقوق دانان روی سه موضوع سمت مرتکب، موضوع جرم و فعل مرتکب امعان نظر کرده‌اند.

### ۲-۷-۱. سمت مرتکب

قانون‌گذار ایران در بیشتر مواد مربوط به جرم جعل از کلمه «هرکس» استفاده می‌کند. بنابراین، هر فرد ایرانی یا خارجی چه مرد باشد و چه زن و با هر شغلی که باشد، می‌تواند مرتکب جرم جعل شود. حال آیا منظور از کلمه «هرکس» در قانون، اشخاص حقیقی است یا اشخاص حقوقی. در قانون مجازات اسلامی ماده صریحی به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اختصاص داده نشده است و در پاره‌ای موارد که ذکری از اشخاص حقوقی می‌شود بیشتر مسئولین و مدیران شرکت را مسئول اعمال مجرمانه می‌شناسد. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۲۸۹) در بند دوم ماده ۴۳۶ خود در افغانستان چنین بیان می‌دارد: «شخصی که یکی از اشیای آتی را تزویر یا باوجود علم به تزویر، آن را استعمال یا به افغانستان داخل کند به حبس متوسط بیش از سه سال محکوم می‌شود» (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲).

## ۸. موضوع جرم

براساس ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات، جعل و تزویر عبارت از ساختن نوشته یا سند یا مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی و سایر اشیاء و تغییراتی است که در سند یا نوشته موجود و معتبر به ترتیب مقرر در قانون ایجاد شود.

### ۸-۱. ساختن نوشته

نوشته هر عبارت و علامت اصلاحی است که برخلاف حقیقت و به منظور اضرار به غیر با دست و قلم و یا چاپ و ماشین روی صفحه‌ای تنظیم شود. در مورد نوشته ذکر دو نکته ضروری



رسمی و غیررسمی از فلز یا سنگ و یا اشیای دیگر ساخته می‌شود. ساختن مهر زمانی تحقق می‌یابد که به‌طور متقالبانه عملی شده باشد. گاهی اشخاص به‌جای امضا از اثر انگشت و مهر استفاده می‌کنند و بدین ترتیب جعل اثر انگشت و مهر این اشخاص مشمول مقررات مربوط به جعل امضاست. (شامبیاتی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۴) براساس قوانین افغانستان، تزویر مادی ممکن است به‌صورت خراشیدن یا تراشیدن، قلم بردن یا الحاق، محو یا سیاه کردن، تقدیم و یا تأخیر سند، نسبت به تاریخ حقیقی، الصاق نوشته به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن باشد که هرکدام به‌صورت جداگانه بحث می‌شود.

#### ۸-۳-۱. خراشیدن یا تراشیدن

برخی معتقدند که خراشیدن، محو جزئی از کلمه در سند یا نوشته است که جزئی از کلمه تغییر پیدا می‌کند، اما تراشیدن شامل محو و ازبین بردن کامل کلمه است به‌طوری‌که از خود آثاری باقی نگذارد. در تراشیدن که به‌وسیله آلات مخصوص مانند چاقو، تیغ، کاغذ تراش، شیشه و امثال آنها که تراشنده است، صورت می‌گیرد تمام قسمت تراشیدن ممکن است جزئی از کلمه یا کل آن باشد، ولی در نتیجه این عمل، نوشته اصلی غیرخوانا یا به‌طور دیگری خوانا می‌شود و یا اینکه اساس نوشته از نظر رنگ جوهر، کهنه و قدیمی وانمود می‌کند. برای نمونه، عدد ۳ را با ناخن به عدد ۲ تبدیل کنند یا ازبین بردن یکی از حروف الفبا مانند حرف «ی» از کلمه حسین و تبدیل آن به حسن. در مثال تراشیدن می‌توان گفت که تراشیدن اسم پدری کسی از سند و گذاشتن اسم پدر خود به‌قصد اینکه در آینده مورد استفاده قرار بگیرد. (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴)

#### ۸-۳-۲. الحاق

شامل اضافه کردن رقم، عدد، واژه یا علامت مخصوص دستور زبان در قسمت‌های خالی بین سطور و کلمات یک نوشته یا سند است که در تغییر معنی مؤثر است. برای مثال اضافه کردن چند صفر به ارقام مندرج چک یا اضافه کردن حرف یا واژه. (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵)

### ۸-۳-۳. قلم بردن

تبدیل کردن و تغییر دادن حروف و واژگان یا ارقام موجود بدون اینکه کلمه و رقم جدید اضافه شود مانند تبدیل ۲ به ۵ یا ممکن است مرتکب با استفاده از قلم، بخش‌هایی از یک نوشته یا سند را ناخوانا کرده یا خط بزند. (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷)

### ۸-۳-۴. محو

پاک کردن و از بین بردن جمله، واژه، حروف، عدد و رقمی در یک نوشته یا سند به گونه‌ای که نتوان به آن پی برد که با مواد شیمیایی یا وسایلی مانند پاک‌کن، لاک غلط‌گیر، آب یا دستگاه‌های تایپ صورت می‌گیرد. (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۸)

### ۸-۳-۵. سیاه کردن یا اثبات

ناخوانا کردن قسمتی از یک نوشته یا سند به وسیله ایجاد لکه جوهر. (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۲۹) در این حالت، در اثبات، علائمی که حاکی از بطلان نوشته است، پاک می‌شود و چنین وانمود می‌شود که علامت بطلان از اصل وجود نداشته است. برای نمونه، بعد از پرداخت پول روی صورت حساب‌ها یک علامت چلیپا کشیده می‌شود که نشان‌دهنده بطلان و بی‌اعتبار بودن صورت حساب است. اگر شخصی به هر صورت ممکن آن علامت را از بین ببرد اقدام به اثبات کردن سند یا نوشته کرده است. به طور خلاصه می‌توان گفت که اثبات یعنی، اعتبار دادن به امر باطل مندرج در سند یا نوشته (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۰).

### ۸-۳-۶. الصاق

الصاق یعنی، مونتاژ اسناد و نوشته‌ها به یکدیگر به طور متقلبانه. برای مثال جدا کردن امضای فردی از ذیل یک نوشته و وصل کردن آن به یک سند مالی. در این حالت قسمت‌هایی از یک نوشته یا سند به نوشته یا سند دیگر منضم می‌شود به طوری که آنچه به وجود می‌آید نوشته واحدی تصور شود. ممکن است ضمیمه کردن با منگنه کردن، چسپاندن و شیوه‌های دیگری انجام شود به شرط اینکه آنچه حاصل می‌شود نوشته واحدی محسوب شود (هدفمند نبی پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۱)

### ۸-۳-۷. تقدیم و تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی آن

این امر ممکن است از مصادیق تزویر مادی یا معنوی باشد. در این حالت، فرد پس از تنظیم سند، تاریخ مندرج در آن را پس یا پیش می‌اندازد. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲) عبدالاقرار واصل در کتاب جزای اختصاصی خود مقدم یا مؤخر کردن تاریخ سند نسبت به تاریخ واقعی آن را تزویر مادی خوانده است و از مثال‌های ذیل استفاده می‌کند که یک سند انتقالی، امروز نوشته شده و تاریخ آن را دو روز بعد می‌نویسند یا حکم تغییر مأموریت امروز ابلاغ می‌شود و تاریخ ابلاغ را سه روز بعد می‌گذارند.

### ۸-۳-۸. استفاده از مهر دیگری

اعم از شخص حقیقی و حقوقی، بدون اجازه صاحب آن در سند یا نوشته‌ای که قابلیت اضرار را دارد اعم از اینکه مهر نزد او به امانت باشد یا به صورت غیرقانونی تحصیل کرده باشد. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳)

### ۸-۴. فعل مرتکب

عمل مرتکب جرم جعل همان فعل مثبت مادی خارجی است که باتوجه به ساختن نوشته، سند، مهر و یا امضاء باید به صورت پیش‌بینی شده در قانون انجام شود. راه‌های مختلف جعل مذکور در قانون مجازات اسلامی را می‌توان با دو عبارت جعل مادی و جعل معنوی بررسی کرد.

### ۸-۴-۱. جعل مادی

جعل مادی زمانی تحقق می‌یابد که به صورت فیزیکی در یک مدرک تحریف شده ارتکاب یافته باشد به طوری که با ملاحظه و آزمایش دقیق و یا با یک بازنگری سطحی بتوان حداقل از نظر تئوری تشخیص داد که این مدرک جعلی است یا خیر. بدین ترتیب زمانی جعل مادی است که تغییرات معلوم و مشخص و در عالم خارج محسوس باشد که طبیعی است باید به شیوه پیش‌بینی شده در قانون به عمل آمده باشد آن هم در سند معتبر و نه در سندی که از اعتبار افتاده و فاقد ارزش قانونی است. براساس ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی جعل مادی ممکن است به صورت خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا

تقدیم یا تأخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی یا یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن صورت گیرد.

#### ۸-۴-۲. جعل معنوی

جاعل عمل فیزیکی انجام نمی‌دهد، بلکه جعل حقیقت در عالم ذهن صورت می‌گیرد؛ زیرا حقیقت در عالم ذهن منقلب و دگرگون شده و آن‌گاه حقیقت قلب شده در عالم ذهن به عالم ماده منتقل می‌شود. (هدفمند نبی‌پور، ۱۳۹۹، ص ۳۰۰) قانون‌گذار ایران مواد جعل معنوی را در ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی بدین صورت پیش‌بینی کرده است که هریک از کارکنان ادارات دولتی، مراجع قضایی و مأمورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای درباره وظایفشان، مرتکب جعل و تزویر شوند از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی، مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که به آن اقرار نشده است اقرارشده جلوه دهند علاوه بر مجازات‌های اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

#### ۸-۴-۳. رکن معنوی جرم جعل

جرم جعل از جرایم مادی صرف نیست، بلکه نیازمند عنصر روانی است که بدون احراز آن امکان تعقیب سازنده یا تغییردهنده سند، نوشته یا چیز دیگری بانام جرم جعل وجود ندارد. بنابراین، قانون تعزیرات در انتهای ماده ۵۲۳ که به بیان مصادیق پرداخته قید «به قصد تقلب» را افزوده است. شعبه دوم دیوان عالی کشور نیز در یکی از آرای صادره خود اشعار می‌دارد: «سوءنیت از عناصر لازمه جرم جعل به شمار می‌رود». در رأی دیگری عمل کسانی که به دستور دیگران و با حسن نیت مهر می‌سازند چون اطلاعی ندارند جعل محسوب نمی‌شود (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۲). برای تحقق عنصر معنوی جرم جعل از یک سو باید قصد ساختن یا تغییر دادن احراز شود. بنابراین، کسی که در حال خواب طبیعی یا مصنوعی، جنون، مستی یا بی‌اختیاری این اعمال را انجام می‌دهد فاقد سوءنیت عام است. از سوی دیگر مرتکب

باید قصد خاص فریب دادن دیگران را از اینکه سند یا نوشته یا چیز مجعول دیگری را اصل قبول کنند و از این راه به ضرر خود عمل کنند، داشته باشد. بنابراین، هرگاه طرف به طور عمدی، نوشته یا سندی را جعل کند، اما قصد او فقط خندانن دیگران یا هنرنمایی و نظایر آنها باشد جاعل محسوب کردن وی دچار اشکال می‌شود. بدیهی است باتوجه به اینکه سوءنیت خاص به عنصر نتیجه بازمی‌گردد و نتیجه در جرم جعل اعم است از ضرر مادی و معنوی، قصد ایراد هر نوع ضرر از مادی یا معنوی را سوءنیت خاص جرم جعل کفایت می‌کند. همین‌طور چون ضرر تنها به کسی که سند به نام او ساخته شده است، وارد نمی‌شود برای تحقق سوءنیت خاص نیز قصد ایراد ضرر به چنین شخصی ضرورت ندارد، بلکه جاعل می‌تواند قصد ایراد ضرر به دیگری را داشته باشد مثل اینکه کارمند بانک، فریب خورده و درمقابل یک چک مجعول به جاعل از محل وجوه بانک پول بدهد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۴).

از نظر حقوق دانان، مصادیق جرایم مطلق عبارتند از: حفاری غیرقانونی، مباردت به خارج کردن اشیاء فرهنگی و تاریخی از کشور، تمرد نسبت به مأمورین دولت، تبانی برای ارتکاب جرم، نشر اکاذب، شرب خمر انتشار هجویه (ماده ۷۰۰ قانون تعزیرات ۷۵)، خرید و فروش آلات قمار (ماده ۷۰۶)، دسترسی غیرمجاز (ماده یک قانون جرایم رایانه‌ای)، جعل رایانه‌ای (ماده شش قانون جرایم رایانه‌ای)، شنود غیرمجاز (ماده ۲ قانون جرایم رایانه‌ای)، نگهداری و خرید و فروش مواد مخدر (قانون مبارزه با مواد مخدر)، پول شویی (قانون مبارزه با پول شویی مصوب ۱۳۸۶، تهدید به قتل (ماده ۶۶۹ تعزیرات ۷۵).

## ۹. نتیجه‌گیری

آنچه در یک جامعه به‌ویژه جامعه اسلامی مهم است امنیت فیزیکی، اقتصادی و مالی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است؛ یعنی همان اعتماد و اعتبار در هر عملکرد و برخورد انسانی و بشری. روشن است که جرم تزویر، شکننده و از بین برنده اعتماد و اعتبار از هر نگاه در یک جامعه است. برای اینکه بتوان وضعیت نرمال روند زندگی بشر حفظ شود باید از همچون عملکردهایی جلوگیری شود تا بشریت در اجتماع انسانی و بشری بدون ترس و وحشت زندگی

کنند. تزویر در شریعت اسلام حرام و نارواست. تزویر در شریعت اسلامی جایی ندارد و ناجایز و حرام است. تزویرکننده، قابل مجازات است تا جامعه اسلامی و انسانی به آلودگی‌ها و نابسامانی‌ها مواجه نشود. علاوه بر قوانین ایران در جزای افغانستان می‌توان دید که عمل تزویر جرم و مرتکب آن قابل مجازات است چه اینکه مزور، مأمور خدمات عامه باشد یا افراد ملکی. به هر صورت مرتکب تزویر قابل مجازات است.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. اصغری، سید محمد (۱۳۷۷). بررسی حقوقی و فقهی رشوه و احتکار. تهران: اطلاعات.
۲. ایزدی فرد، علی اکبر (۱۳۸۳). رشوه غیرمالی. نشریه مقالات و بررسی‌ها، شماره ۷۵، ۱۱-۲۸.
۳. حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۹). رشوه از دیدگاه حقوق کیفری ایران و فقه. نشریه مدرس، ۴(۴)، ۵۲-۳۵.
۴. حسینی، سید حسین (۱۳۸۳). نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم‌های حقوقی فرانسه، ایتالیا، سوئیس و چین. نشریه پژوهش‌های حقوقی، ۶(۳)، ۱۲-۲۰.
۵. حسینی، سید حسین (۱۳۸۸). تقریرات درس حقوق جزای تطبیقی. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۴۰۰). لغت‌نامه. تهران: امیرکبیر.
۷. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی. تهران: مجد.
۸. صادقی، حسین میرمحمد (۱۳۸۳). حقوق کیفری اختصاصی. تهران: نشر میزان.
۹. عارف راشد، محمد (۱۳۹۲). ارتشاء در حقوق ایران و افغانستان. قزوین: دانشکده حقوق.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۸). مقدمه علم حقوق و مطالعه در حقوق خصوصی ایران. تهران: انتشارات مدرس.
۱۱. متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۸۳). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۲. معین، محمد (۱۳۸۲). فرهنگ لغت. تهران: انتشارات بهزاد.
۱۳. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۴). حقوق کیفری عمومی. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۱۴. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۵). جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. تهران: میزان.
۱۵. نجفی توانا، علی. و میلی، ایوب (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی. تهران: جنگل.
۱۶. هدفمند نی‌پور، هدایت‌الله (۱۳۸۸). حکم تزویر در شریعت اسلام کودکان جزای افغانستان. نشریه مطالعات حقوق اسلامی، ۱۲(۵)، ۱۱۱-۱۳۴.